

خوراك علمى جوانان بايد كنترل شود

فلمینظر الانسان الى طعامه

برای حفظ بهداشت و سلامت تن باید مواد غذایی کنترل شده ، خوراك سالم به بدن تحویل گردد ، و الا سلامت بدن افراد اجتماع در معرض خطر شدید قرار میگیرد ، مسمومیت غذایی ، خوراك آلوده ، و انواع و اقسام بیماریهای خطرناك بوجود میآید در دولتها چه جمعیت هائی در این راه انجام وظیفه میکنند چه بودجه های سنگینی در این قسمت مصرف میشود تا چه اندازه توفیق حاصل مینمایند؟ مطلبی است که اکنون با آن کار نداریم گاهگاه اخبار عجیب و شگفتی در مورد تقلب در مواد غذایی به چشم میخورند آنچه را من میخواهم گوشزد نمایم و از دانشمندان و آنانکه در این راه وظیفه سنگین ارشاد و هدایت افکار بعهدہ آنان گذاشته شده است تقاضا میکنم آن است که در رفع خطر مسمومیت غذا های علمى که افکار مردم جهان و کشور ما بویژه جوانان را تهدید به انحراف و نابودی مینماید بکوشند ، عقائد سخیف و بی پایه و راه ژندگی غلط است که عده ای نادان یا مغرض و مزدور استعمار در لابلای نوشته های خود در اختیار آنان میگذارند و فکر سالم فرزندان ما را بیمار مینمایند .

خوراك های مسموم برای بیچاره کردن و نابود کردن يك ملتى که بر پایه این افکار و خیالات باطل اساس ژندگی خود را استوار نموده

باشند کفایت میکند، چه تهمت‌های ناروایی که با اسلام و مسلمانان و رهبران مصلح‌عالم بشری برای هموار کردن جاده استعمار و استثمار که نمی‌زنند گاهی توکل و اعتماد به پروردگار جهانرا به بیکاری و بطالت تفسیر میکنند تا یک ملتی را به تنبلی و سهل‌انگاری در راه پیشرفت علم و توجه به پیشرفت‌های شگرف انسان و ادار نمایند، مردمی و امانده و ناامید تر بیت میکنند اسلام را طرفدار بی‌اعتنائی باموال عمومی و لاندگی مرفه معرفی مینمایند تا اثر و بی‌کران ملل اسلامی مورد غارت و تاراج بیگانگان گردد و حال آنکه اهمیت توجه لاندگی شایسته دنیوی مسلمانان از این گفتار پیامبر گرامی اسلام نمودار است، در مورد شخصی که اموال خود را پیش از مرگ در راه خدا انفاق کرده و به لاندگی فرزندانش و بازماندگان خود بی‌اعتنائی نشان داده بود فرمود: اگر میدانستم نمی‌گذاشتم او را در قبرستان مسلمین دفن نمایند آنگاه چطور ممکن است چنین دینی اجازت دهد مسلمانان بنشینند و تماشا کنند که کشورهای غاصب و استعمار طلب ثروت‌های عمومی و بی‌کران ملل اسلامی را غارت کنند و خود در آتش فقر و فلاکت بسوزند و همچنان بزندگی مادی بی‌توجه و اعتناء بمانند مزدوران استعمار تحمل لور و ظلم و ستم را بعنوان مدح صبر و شکیبائی و ریاضت بر ملت اسلام آسان مینمایند تا هیچگاه حاضر به مقابله و عرض اندام کردن نباشند و میدان را برای یکه‌تازی و غارت خالی بگذارند. مقالات، مجلات، روزنامه‌ها، کتابهای پلیسی و جنائی، بر نامه‌های گمراه کننده... جوانان کشورهای اسلامی را به بدبختی سوق میدهد و هیچ مورد مراقبت و کنترل هم قرار نمی‌گیرد. اخیراً جنبش و نهضتی در ترجمه کتابهای دیگران درباره اسلام و پیغمبر و شخصیت‌های

عالم اسلام در مملکت ما پيدا شده است غافل از اينکه اغلب در میان آنها خوراك
 هاى مسمومى يافت ميشود که يك نسل منحرف تر بيت و تحويل ميدهد، نتيجه
 چنين مى شود که مسلمان قرآن را بفارسي ترجمه مينمايد و غلط از آب در-
 ميآيد، مسيحي کلام خدا را بزبان ديگر انتقال ميدهد نادرست و گمراه .
 کننده ميشود؛ مسلمان تاريخ زندگى پيامبران را مينويسد پر از خرافات
 و اوها م جلوه ميدهد ، مسيحي در باره پيغمبر اسلام سخن ميگويد يك مشمت
 لا طائل و خرافات به مغز جوانان تزريق ميکند تمام پيغمبران را مولود تجرد و
 سادگى بيايان حجاز معرفى مينمايد، خدا را موجودى ميدانند که در بيايان
 قابل لمس و در کاخ هاى بلند مخنفي وغير قابل لمس است، جغرافياى کشور
 هاى اسلامى مينويسند پر از غلط و اشتباه از کار در ميآيد چند سال قبل در مجله
 مکتب تشيع در اين مورد در دلد هائي کردم و چند نمونه واضح و آشکار
 معرفى نمودم، در مورد کتاب «جهان اسلام» لوى ماسينيون (۱) فرانسوى
 نوشتم ، در باره ترجمه قرآن مسيو بلاشر (۲) تذکراتى دادم عده اى از
 جوانان تشنه و حقيقت طلب مرا تشويق کردند .

عده اى از دوستان اصرار ورزيدند که اين کار را تعقيب نمايم ولى تا کنون
 موفق نشدم بخواست خدا و بتوفيق پروردگار در اين مجله علمى و دينى
 آنرا ادامه بدهم، اشتباهات ترجمه ، پاورقى و تفسيرهاى نادرست آنرا
 مينمايانم و از ديگران ميخواهم اين روش را تعقيب نمايند بلکه انجمنى
 براى بررسى و انتقاد کتاب از افراد ورژيده و متخصص در رشته هاى اسلامى
 و فکرى تشکيل دهند و مطالب آنرا کنترل نمايند اگر مردمى با انصاف

(۱) Louis Massignon .

(۲) Monsieur Bélachère .

و نویسندگانی حقیقت پژوه باشند قبل از چاپ باین انجمن مراجعه کنند تا مطالب نوشته‌های آنان مورد بررسی دقیق و صحیح قرار گیرد آنگاه چاپ شود و اگر از انصاف و وجدان بدور باشند و تاب تحمل انتقاد و رسیدگی را نداشته باشند دیگران پاتذکرات سودمند این انجمن مطالب کتاب را مطالعه نمایند .

سلسله کتابهایی است که یکی از مؤسسات مطبوعاتی تهران بنام جوانان منتشر میکند من باب تصادف مقداری از یکی از آنها را مورد مطالعه قرار دادم ، البته نویسنده در مقدمه کتاب خود را مردی منصف و متواضع معرفی میکند و روی همین زمینه تصور نمیکنم که از انتقاد من ناراحت شود چند صفحه آنرا بیشتر مطالعه نکردم به دو مطلب عجیب و شگفت‌انگیز برخورد کردم .

یکی درص ۱۰ پاورقی در مورد قبول و اقطاع مینویسد این مطلب در قرآن کریم ریشه دارد و بآیه از آن استناد مینماید آنگاه این پایه سست و متزلزل را بگفته دو نفر از اروپائیان محکم و پابرجا مینماید بخوانید و قضاوت کنید ! مینویسد : ریشه کلمه اقطاع بمعنی سهمی را جدا کردن و قطعه‌ای از زمین را بکسی اختصاص دادن در قرآن مجید است در سوره رعد آیه ۴ ، - آنجا که از قطعات زمین مجاور هم دیگر سخن رفته است (وفی الارض قطع متجاورات و جنات من اعناب و زرع و نخیل) یعنی در زمین حصه‌ها است نزدیک بهم و بوستانها انگورها و زراعت و خرما ...

چنانکه آ . ن . پولیاک A . N . Poliak در کتاب

F . Lokkegaard Saféodalitè islamique وفالوک گآرد

در کتاب **Islamic Faxation** (ص ۱۴) تذکر داده اند در قرآن مجید صحبت از اعطای قطعات کوچک زمین بلا شرط و بدون ایجاد وظیفه‌ای برای گیرنده - در میان است و از بهره‌کشی از روستائیان تابع خان سخنی نرفته‌البح.

آیه شریفه را که ایشان یاد آور شده ملاحظه فرمائید (وفى الارض قطع متجاورات وجنات من اعناب و زرع و نخيل صنوان و غیر صنوان یسقى بماء واحد و فضل بعضها على بعض فى الاصل ان فى ذلك لایات لقوم یؤمنون یعنی در روی زمین قطعه‌هایی از زمین در همسایگی یکدیگر وجود دارد و در زمین بوستانهاییست از درختان انگور و خرما که جمعی از آنها از یک بن روئیده و برخی جدا و مستقل است این درختان همه از یک آب استفاده میکنند و لوی میوه‌های مختلف ترش و شیرین تحویل میدهند. آنگاه نویسنده کتاب چون کلمه قطعه در این آیه واقع شده خیال کرده اقطاع و زمین را در تبیول کسی قرار دادن در قرآن ریشه دارد و نویسنده خارجی هم در کتاب فتوایته اسلام چنین نسبت ناروا و استناد غلطی را باسلام و قرآن میدهد.

در صفحه (۲۸) مینویسد: «بشر بدوی در طی ده‌ها هزار سال با پرستش اصنام و عناصر خو گرفته بود و با خدایان گوناگونی که خود برای دزدک پدیده‌های طبیعی آفریده بود سروکار داشت بطوریکه پیامبران مصلحی که در طی سه هزار سال اخیر آمدند و دین نوی مبنی بر یکتاپرستی آوردند ناچار بخشی از آن عقیده‌های سخیف و بی‌پروپا را در بست و با با جزئی تغییر پذیرفتند زیرا که خرافات مزبور چنان در ذهنها ریشه دوانده بود که جز این چاره نداشتند؛ برای دریافتن صحت این مدعی

نگاهی به تورات یهود و دیگر کتابها کافی است». آنگاه در پاورقی اشاره میکند: «برخی معتقدند که مراسم حج تلمیقی است از تشریفات زمان جاهلیت با آنچه مسلمانان بدان افزودند و در واقع گذشتنی بوده است در برابر رسوم قدیمه».

مطلب را ببینید و سندر را ملاحظه فرمائید، مطلب غلط پس مانده برخی از دشمنان مغرض یا دوستان نادان که بصورت حدیث و روایت ذکر نمودند و گفته اند هنگامیکه پیغمبر ﷺ آیه شریفه «**افرا ایتم الالات والعزی و منوة الثالثة الاخری**» را میخواند و مشر کین گوش فراداده بودند اضافه فرمود: «**تلك الغرائق العلی ان شفاعتین لترتجی**» مشر کین به خاک افتادند و بنام بنان سجده کردند. از اینگونه مطالب سخیف و روایات بی پایه که هر کس مختصر آشنائی به قرآن کریم و روش و گفته های پیغمبر گرامی اسلام داشته باشد میگذرد و با آنها را بحساب نمیآورد و با کتاب تورات و انجیل ساخته دست بشر گمراه و خرافات آن دامن انبیاء و رهبران مصالح اجتماع بشری را آلوده نموده و استشهاد مینمایند زهی بی خبری و بی اطلاعی. بگذریم و با امید اینکه دانشمندان روشنفکر و رهبران دلسوچاه بیاندیشند و خوراک سالم و دانش پاک برای مردم و جوانان تهیه ببینند و یا چاره ای برای اینگونه نوشتهجات آلوده و فاسد بنمایند و بدو جمله تذکر در مورد ترجمه قرآن مسیو بلاش فرانسوی در این شماره اکتفا کنیم این آیه سوره مبارکه بقره را: **و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسعین فجعلناها نکالاً لما بین یدیهما وما خلفها و موعظة لامتقین**، یعنی حتماً میدانید (ای بنی اسرائیل) متجاوزین خود را در روز شنبه و در مورد آن (که شکار

ماهی رادر آن روؤبرایشان حرام نمودیم و آنها مخالفت کردند) پس بایشان گفتیم بشوید بوژینه‌های پست و خوار پس این عذاب راعبرت و تنبیهی برای مردم شهرهای آن زمان و زمان بعد و پندی برای پرهیز کاران قرار دادیم .

ایشان چنین ترجمه کرده اند .

Certes vous connaissez ceux qui, parmi vous, ont transgressé le sabbat; Nous leur avons dit :

« soyez des signes (1) abjects : »

(1) بوژینه‌ها را به علامت و نشانه ترجمه کرده .

Nous fimes de [cette cité] une exemplaire punition pour ses actes (2) antérieurs et ultérieurs, et une admonition pour leur pieux .

(2) قری و شهرهای حاضر و آینده را بکارهای گذشته و آینده

ترجمه نموده است . *پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

☆ ☆ ☆

از خوانندگان محترم تقاضا دارم در صورتیکه باشتباهی از من بر خوردند و حق را به جانب مترجم دادند و سیله دفتر نشریه این بنده را مطلع سازند ژیرا ممکن است در اثر عدم تخصص در ژبان فرانسه که در خود سراغ دارم دچار اشتباه گشته باشم یا اگر باشتباه دیگری از مترجم دست یافتند تذکر دهند تا بلکه جمع آوری شده و به شخص مترجم که یکی از اساتید دانشگاه سوربن (۱) فرانسه است یادآوری نموده و اصلاح نمایند.